

چرا «تن تن» هنوز زنده است؟

فکل‌های نارنجی که همیشه به بالا تاب خورده، صورت گرد، پلیور آبی و سگ سفید بانمکی که در تمام ماجراها همراهش است.



فکل‌های نارنجی که همیشه به بالا تاب خورده، صورت گرد، پلیور آبی و سگ سفید بانمکی که در تمام ماجراها همراهش است. این تصویر، بی درنگ ما را به یاد «تن تن» می‌اندازد؛ همان خبرنگار شجاع و محبوب بلژیکی که ۹۷ سال پیش در صفحات یک هفته نامه متولد شد. اما برخلاف بسیاری از شخصیت‌های داستانی، «تن تن» با گذشت نزدیک به یک قرن، نه تنها از یادها نرفته بلکه هنوز مخاطبان، با ما مجاهدان، خدمت‌مده، کند.

به گزارش ایسنا، کمتر شخصیتی در دنیای داستان و تصویر وجود دارد که بتواند همزمان ساده، صادق، ماجراجو و ماندگار باشد؛ «تن تن» یکی از همان استثناهاست. این قهرمان در قامت «خبرنگار»، نه قدرت خارق العاده دارد، نه لباس عجیب، اما بیش از ۹۰ سال است که خوانندگان را با خود به گوشه و کنار جهان می‌برد.

«تن تن» در سال ۱۹۲۹ میلادی، از ذهن خلاق «هرژه» خلق شد؛ هنرمند بلژیکی که با نام «ژرژ رمی» در سال ۱۹۰۷ در بروکسل متولد شد و با معکوس کردن حروف اولش به «آر. ژ.» نام مستعارش را ساخت. نتیجه روی کاغذ آمدن تصورات «هرژه»، خبرنگار جوانی شد که انگار همیشه آماده حرکت و ماجراجویی است. اما از همان ماجراهای اول واضح بود که «تن تن» قرار نبود یک شخصیت صرفاً سرگرم‌کننده باشد، این پسر جوان که آرام و قرار ندارد، در واقع نماد دیدگاه‌های ژرف تری همچون کنجکاوی بی پایان، شجاعت خدشه‌ناپذیر و پایداری در راه حقیقت است.

«تن تن» به عنوان یک خبرنگار، مدام از کشوری به کشور دیگر می‌رود، از بیابان‌ها و جنگل‌ها عبور می‌کند و در شهرهای مدرن و حتی اعماق دریا کاوش می‌کند. اما شاید چیزی که داستان‌های او را از روایت‌های یک خبرنگار معمولی متمایز می‌کند، این است که گزارش‌های او فقط خبری نیستند. او درگیر توطئه‌ها و جنایت‌ها و حتی ماجراهای سیاسی و رازهای تاریخی می‌شود.

اما «هرژه» به خلق این شخصیت پرانرژی بسنده نکرد. «میلو»، سگ وفادار و بامزه‌ای که در حقیقت یک «فاکس تربیر» سفید و استثنایی است، «تن تن» را در تمام این ماجراها همراهی می‌کند. «هرژه»، «میلو» را طوری روی کاغذ آورد که درخور شخصیت و زندگی خبرنگار داستان هایش باشد. پس «میلو» یک حیوان خانگی معمولی نیست بلکه گاهی ناجی، گاهی تلنگری برای کمک گرفتن از هوش و گاهی هم مایه طنز است.

با این حال ماجراهای «تن تن» با ورود شخصیت‌های متنوع عمق بیشتری می‌گیرد. «کاپیتان هادوک» با آن چهره عصبانی معروف یا پروفسور «تورنسل» با نبوغ و حواس‌پرتی و حتی دو کارآگاه دست‌پاچلفتی از دیگر چهره‌های آشنای سفرهای «تن تن» هستند. این شخصیت‌ها در کنار هم موفقیت بزرگی را برای «هرژه» پدید آوردند. مسیر موفقیت این مجموعه داستان‌ها از ۱۰ ژانویه ۱۹۲۹ در هفته نامه بلژیکی «Le Petit Vingtième» آغاز شد. اما قبل از آن «هرژه» در کالج سنت بونیفاس تحصیل کرد و در ادامه در بخش اشتراک مجله «لو ونتیم سیکل» استخدام شد. حرفه او، که در سال ۱۹۲۷ به دلیل خدمت سربازی قطع شده بود، در سال ۱۹۲۸ با مسئولیت طراحی، نظارت و تصویرسازی «لو پتی ونتیم»، یک ضمیمه هفتگی برای خوانندگان جوان مجله، مسیر جدیدی در پیش گرفت. «تن تن» و «میلو» در ۱۰ ژانویه ۱۹۲۹ برای اولین بار در آنجا ظاهر شدند.

در نتیجه استقبال از «تن تن»، این آثار به بیش از ۱۱۰ زبان ترجمه شده‌اند. موفقیت این آثار به مرحله‌ای رسید که «تن تن» باعث شکل‌گیری یک رشته کامل از پژوهش‌ها شد که حول ماجراهای به ظاهر ساده «تن تن» رشد کرده است و به عنوان «تن تنولوژی» شناخته می‌شود.

شاید تمام این جمله‌ها را بشود در این خلاصه کرد: «تن تن» بیشتر از یک شخصیت کمیک معمولی است. او نماد شجاعت و شوق کشف است و شاید به همین دلیل است که با گذشت دهه‌ها، هنوز وقتی جلد یکی از کتاب‌هایش را باز می‌کنیم، حس می‌کنیم که یک سفر تازه در راه است.